



تقریر درس امامت در قرآن آیت الله اراکی رحمته الله

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۱۲	تاریخ	۱۴۰۴ / ۰۱ / ۱۰
عنوان اصلی	امامت در قرآن					
عنوان ۱	مطلب چهارم: نصب الهی حاکم					
عنوان ۲	انواع نصب الهی از نگاه امام خمینی علیه السلام					
	- نصب علی نحو القضية الشخصية - نصب علی نحو القضية الحقيقية					
عنوان ۳	نقد معظم له علیه السلام بر نصب علی نحو القضية الحقيقية مورد نظر حضرت امام علیه السلام					
عنوان ۴	انواع نصب امام معصوم برای امر ولایت					
عنوان ۵	حاصل بحث					

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين

به ذیل عنایت حضرت ولی عصر علیه السلام تمسک می جویم و از حضرتش می خواهیم به ما نظر عنایتی بفرماید و ما را در این ماه از فائزین، مقرر دارد؛ شفیع ما نزد خدای متعال شود؛ صیام، قیام، دعا و اعمال ما در این ماه، مورد قبول حضرت حق واقع گردد؛ حاجاتی که داریم، برآورده شود؛ وضع مسلمین اصلاح شود و وضع کشور ما بهبودی یابد ان شاء الله؛ مشکلات جامعه اسلامی و ملت و کشور ما برطرف شود؛ ملت ما، جبهه مقاومت، مظلومین و مستضعفین، بالأخص مظلومین غزه و فلسطین بر آمریکای جنایت کار و صهیونیست ها غالب و فائق آیند. امیدواریم که این عید، عید فرح برای همه مسلمین و عید پیروزی و نصری برای همه مؤمنین باشد ان شاء الله.

انواع نصب الهی از نگاه امام خمینی علیه السلام

در ادامه سخن درباره امامت، گفته شد که امام را باید خدای متعال نصب کند و نصب خدای متعال بنابر مبنای حضرت امام علیه السلام بر دو گونه است:

- نصب علی نحو القضية الشخصية؛
- نصب علی نحو القضية الحقيقية.

نصب علی نحو القضية الشخصية

نصب علی نحو القضية الشخصية، مثل نصب انبیاء، مرسلین و خود رسول اعظم صلی الله علیه و آله برای امامت و فرمانروایی، نصب اوصیای انبیاء، بالأخص اوصیای نبی اکرم، حضرت امیر و فرزندان یازده گانه حضرتش برای ولایت است. حضرت

رسول ﷺ در این باره می فرماید: «علیّ مولاکم» و «من کنّت مولاہ فعلیّ مولاہ» و «علیّ خلیفتی» و «علیّ وصیّی» و همین طور تا دوازده امام، نیز گفته شده است.

نصب علی نحو القضية الحقيقية

اما نصب علی نحو القضية الحقيقية هم وجود دارد که البته ما یک اختلاف نظر با حضرت امام در این نحوه از نصب داریم که اختلافی جزئی است. ایشان می فرماید در نصب علی نحو القضية الحقيقية، خدا عالم عادل باکفایت را هم به طور کلی برای امامت و ولایت، نصب کرده است و بنابراین، هر جا امام منصوب بالشخص در دسترس بود، در امامت و ولایت، متعین است؛ اما هر جا امام منصوب بالشخص در دسترس نبود، نصب عام، زنده می شود و باید به آن عمل کرد. در دوران غیبت کبرا نیز همین طور است و لذا ما ولایت فقیه را در دوران غیبت کبری، براساس این نصب عام می دانیم.

نقد معظم له ﷺ بر نصب علی نحو القضية الحقيقية مورد نظر حضرت امام

عرض ما این است که نصب علی نحو القضية الحقيقية، از سوی خدای متعال به طور مباشر، لم یثبت عندنا بالدلیل، ولی نصب علی نحو القضية الحقيقية از سوی امام صادق (ع) داریم و این نصب جریان دارد و در زمان غیبت کبری هم مورد تأکید ولی عصر (ع) قرار گرفته است؛ اما نصی از سوی خداوند بر اینکه کل عالم عادل کفو منصوب للإمامة و الرئاسة والقيادة نداریم. دلیل عقل هم چنین اقتضائی نمی کند؛ چون در هر زمان، ولی منصوب بالشخص داریم و دیگر نیازی به نصب عام از سوی خدای متعال نیست. خدای متعال، کار خود را کرده و در هر زمانی «لولا الحجة لساخت الأرض بأهلها» و هیچ زمانی نیست که منصوب بالشخص برای امامت و ولایت نداشته باشیم؛ منتها این امامی که منصوب بالشخص، است، انواعی از نصب دارد؛

انواع نصب امام معصوم برای امر ولایت

حداقل، سه نصب از سوی امام معصوم (ع) برای امر ولایت، هم متصور است و هم در مقام تصدیق عملی شده و در مقام واقع، تحقق یافته است:

۱. نصب اشخاص معین، برای ولایت عامه در یک مکان عام؛
۲. نصب اشخاص معین، برای ولایت عامه در زمان خاص یا مکان خاص: فرض کنید که حضرت امیر (ع) مالک اشتر را برای ولایت عامه در مکان خاصی مانند مصر نصب کرده است یا حضرت ولی عصر (ع) وکلای اربعه را وکیل بعد وکیل، به ولایت عامه در زمان خاص، نصب کرده است.
۳. نصب عام از سوی ائمه اطهار (ع) نه برای هر زمان که دسترسی به ولی امر اصلی وجود ندارد: این نصب عام، برای زمان و مکان خاص نیست و براساس آنچه دلیل داریم، اولین نصب عامی که صورت گرفته، نصب عام امام صادق (ع) در مقبوله «عمر بن حنظله» است که فرمود:

«يُنْظَرُ إِلَى مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَكِيمًا»^۱؛

۱. الکافی؛ کتاب فضل العلم، باب اختلاف الحديث، ح ۱۰.

که عبارت: «جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» - مخصوصاً با توجه به تبدیل لفظ که ابتدا فرمود: «فَلْيَرْضَوْا بِهِ حَكَمًا» و سپس فرمود: «فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا» - نشان می‌دهد که منظور از حاکم، ولایت عامه است نه ولایت در خصوص قضاء؛ وگرنه تبدیل لفظ، وجهی نداشت؛ همان طور که مرحوم شیخ انصاری رحمته الله هم در کتاب القضاء خود به همین تقریب، استدلال می‌کند و لذا قائل به ولایت عامه برای فقیهند و همان مطلبی که در «مکاسب» گفته‌اند «دونه خطر القتاد»، وقتی که خودش به مرجعیت رسید، دید که نه چنین نیست؛ بلکه چنین نصبی، لازم است. ایشان «مکاسب» را قبل از دوره مرجعیت خود، نوشته است؛ اما کتاب‌های قضاء و شهادت و کتاب‌های بعدی را در دوران مرجعیتش نگاشته است.

خلاصه، این نصب عام از زمان امام صادق علیه السلام وجود دارد. و سپس به وسیله ائمه دیگر تأکید شده و از سوی حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در آغاز دوران غیبت، بر آن، تأکید ورزیده شده است که: «وَأَمَّا الْخَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا (۲) فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۱.

حاصل بحث

۱. یک نصب مباشر از سوی خدا داریم که در هر زمان، وجود دارد و هیچ زمانی نیست که خدا نصب الشخص بالنصب المباشر نداشته باشد. این یک قاعده کلی در همه زمان‌ها، چه در گذشته و چه در آینده تا روز قیامت است.
۲. امام منصوب بالنص المباشر می‌تواند برای اداره امور و ولایت عامه، افرادی را نصب کند؛ اما این نصب، گاهی نصب اشخاص است و گاهی نصب علی نحو القضية الحقيقية. نصب شخصی و نصب علی نحو القضية الشخصية از سوی ائمه معصومین علیهم السلام انجام گرفته است و چند صورت دارد:
 - گاهی برای مکان خاص؛ مثل نصب مالک اشتر از سوی امیرالمؤمنین علیه السلام برای مصر و نصب حضرت مسلم علیه السلام برای ولایت بر کوفه از سوی سیدالشهداء علیه السلام و دیگر نصب‌هایی که از سوی رسول اکرم صلی الله علیه و آله یا امیرالمؤمنین علیه السلام یا امام مجتبی علیه السلام یا سیدالشهداء علیه السلام انجام گرفته است.
 - گاهی نصب خاص در زمان خاص است؛ مثل نصب نواب اربعه که نصب خاص است؛ منتها نصب خاص علی نحو الولاية العامة برای زمان خاص که از نصب‌های علی نحو القضية الشخصية است.
 - نصب علی نحو القضية الحقيقية که دلیلش را از زمان امام صادق علیه السلام داریم؛ وگرنه دلیلی قبل از آن نداریم و یا ما به آن، دست نیافته‌ایم؛ مگر اینکه کسی از آیه کریمه سوره مائده در تأیید فرمایش حضرت امام - که نصب عامی هم برای کل فقیه عادل، قائل است - استفاده کند که می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّيَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً»^۲. اگر «باء» را بآه تحلیل بدانیم، شاید کسی بتواند استفاده کند که یک نصب عام علی نحو القضية الحقيقية، به همان شکل که حضرت امام فرموده‌اند، برای کل زمان داریم و أحبار هم منصوبند.

۱. کمال الدین و تمام النعمة؛ ج ۲، ص ۴۸۴.

۲. ما تورات را نازل کردیم؛ درحالی‌که در آن، هدایت و نور بود؛ و پیامبران، که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند، با آن برای یهود حکم می‌کردند؛ و [همچنین] علما و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند؛ [سوره مائده: ۴۴].

«أخبار» یعنی همه علماء؛ اما چون تعلیل دارد و می‌فرماید: «بِمَا اسْتَحْفِظُوا» و العلة تعمّم و تخصّص، از این تعلیل، استفاده می‌کنیم که «الَّذِينَ اسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ» هم حکام علی الناس هستند. برخی از نصوص دیگر هم مثل: «الْعُلَمَاءُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ»^۱ و «الْفُقَهَاءُ خُصُوصُ الْإِسْلَامِ»^۲ هم داریم که شاید بتوان از آنها مبنای حضرت امام علیه السلام را تأیید کرد که یک نصب عام برای فقها به طور کل داریم؛ منتها این نصب عام، وقتی زنده می‌شود که دسترسی به منصوب بالنصب الخاص، وجود نداشته باشد.

این خلاصه بحث ما بود و به همین اندازه، اکتفا می‌کنیم؛ اما اگر عمری بود و توانستیم، مباحث امامت را مفصل‌تر پی می‌گیریم.

ان شاء الله عیدتان مبارک باشد و ایام آتی، ایام مبارکی بر همه شما و مسلمین باشد و شاهد پیروزی اسلام و سلامت و دوام عمر مقام معظم رهبری باشیم و امیدواریم سال آتی، سال فرج ولی عصر علیه السلام و مؤمنین و ظهور آن حضرت باشد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين

۱. عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۲۵.

۲. الکافی؛ کتاب فضل العلم، باب فقد العلماء، ح ۳.